

پهلوان با دیدن آنها سریع شمشیرش را از بیام بیرون کشید او با دست و پای چپ شامیگردو با دست راست بهنگانی که قصد حاش کرده بودید را از بین می برد سرانجام با تی هسته و کوفته خود را به ساحل رساند و شکر جهان آفرین را به حای آورد او لباسهای جیس خود را از تن بیرون آورد و بر روی تکه سگی بزرگ پهن کرد سپس در آنجا خوابید تا حسنگی سرد از تنش بیرون رود پس از چند ساعت استراحت از خواب بیدار شد او لباس هایش را پوشید و به سمت چشمه ای که رحش را در آنجا رها کرده بود به راه افتاد تا آنکه پس از یک پیاده روی طولانی به چمن راری سرسبز رسید آنجا چراگاه اسان پادشاه توران یعنی افراسیاب بود که از رماهای بسیار دور با ایرایان جنگ و دشمنی داشت او برای شکار و خوشگذرانی به سوی آن دشت حرکت کرده بود

